

جدول سوالات رایج درباره آب و هوا به انگلیسی

ترجمه فارسی	سوال به انگلیسی	نوع سوال
امروز هوا چگونه است؟ هوا چگونه است؟ چه روز زیبایی، اینطور نیست؟	What's the weather like today? How's the weather? What a beautiful day, isn't it?	وضعیت کلی هوا
پیش‌بینی برای آخر هفته چیست؟ آیا فردا هوا آفتابی خواهد بود؟	What's the forecast for the weekend? Is it going to be sunny tomorrow?	پیش‌بینی هوا
دما چند درجه است؟ چند درجه است؟	What's the temperature? How many degrees is it?	دمای هوا

جدول تبدیل اسم آب و هوا به صفت

مثال با صفت	صفت (Adjective)	اسم (Noun)
It's a sunny day.	Sunny (آفتابی)	Sun (خورشید)
The sky is cloudy.	Cloudy (ابری)	Cloud (ابر)
I love rainy weather.	Rainy (بارانی)	Rain (باران)
It's too windy to play outside.	Windy (بادی)	Wind (باد)
Be careful, the road is foggy.	Foggy (مه‌آلود)	Fog (مه)
The streets are icy in winter.	Icy (یخی)	Ice (یخ)
We had a stormy night.	Stormy (طوفانی)	Storm (طوفان)
It was a misty morning by the lake.	Misty (مه‌گرفته)	Mist (مه رقیق)

جدول کلمات برای توصیف دما

مثال	کلمات کلیدی انگلیسی	سطح دما
It's scorching hot today, over 40 degrees!	Scorching ,Boiling	بسیار داغ
Don't touch the oven; it's very hot.	Hot	داغ
It's a lovely warm afternoon.	Warm	گرم (مطلوب)
The climate here is very mild.	Temperate ,Mild	معتدل
The evening is a bit chilly; you might need a jacket.	Chilly ,Cool	خنک
It's too cold to go for a swim.	Cold	سرد
It was freezing last night; the lake is frozen.	Frigid ,Freezing	یخبندان

جدول واژگان پیش‌بینی آب و هوا

معنای فارسی	Forecast Term
نیمه‌ابری	Partly cloudy
رگبارهای پراکنده	Scattered showers
احتمال بارش باران	Chance of rain
طوفان تندر (همراه با رعد و برق)	Thunderstorm
بیشترین/کمترین دما	High/Low temperature
سرعت باد	Wind speed
آسمان صاف	Clear skies

لغات و اصطلاحات هوای آفتابی و گرم

معنا و توضیح	کلمه انگلیسی	نوع کلمه
خورشید / نور خورشید	Sun / Sunshine	اسم (Noun)
گرما / موج گرما	Heat / Heatwave	
آفتابی	Sunny	صفت (Adj)
صاف (آسمان بدون ابر)	Clear	
گرم (مطلوب) / داغ	Warm / Hot	
شرجی، مرطوب	Humid	

لغات و اصطلاحات هوای ابری و مه‌آلود

معنا و توضیح	کلمه انگلیسی	نوع کلمه
ابر	Cloud	اسم (Noun)
مه غلیظ / مه رقیق	Fog / Mist	
ابری	Cloudy	صفت (Adj)
کاملاً ابری، گرفته	Overcast	
گرفته و دلگیر	Gloomy	
مه‌آلود	Foggy	

لغات و اصطلاحات هوای بارانی

معنا و توضیح	کلمه انگلیسی	نوع کلمه
باران / میزان بارش	Rain / Rainfall	اسم (Noun)
نم‌نم باران، باران ریز	Drizzle	
رگبار / باران سیل‌آسا	Shower / Downpour	
سیل / گودال آب	Flood / Puddle	
باران باریدن / به شدت باریدن	to rain / to pour	فعل (Verb)
بارانی / خیس / نم‌دار، مرطوب	Rainy / Wet / Damp	صفت (Adj)

لغات و اصطلاحات هوای برفی و سرد

معنا و توضیح	کلمه انگلیسی	نوع کلمه
برف / دانه برف	Snow / Snowflake	اسم (Noun)
کولاک، بوران	Blizzard	
یخ / یخبندان	Ice / Frost	
برفی	Snowy	صفت (Adj)
سرد / خنک	Cold / Chilly	
یخبندان / یخی و لغزنده	Freezing / Icy	

لغات و اصطلاحات هوای طوفانی و بادی

معنا و توضیح	کلمه انگلیسی	نوع کلمه
باد / نسیم	Wind / Breeze	اسم (Noun)
طوفان	Storm	
رعد / صاعقه	Thunder / Lightning	
بادی (باد زیاد)	Windy	صفت (Adj)
پر از نسیم	Breezy	
طوفانی	Stormy	

جدول اصطلاحات عامیانه (Idioms) مرتبط با آب و هوا

مثال	معنای اصطلاحی	اصطلاح (Idiom)
I'm not going outside; it's raining cats and dogs!	باران بسیار شدیدی می‌بارد.	It's raining cats and dogs
I'm feeling a bit under the weather today.	ناخوش بودن، حال خوشی نداشتن.	To be under the weather
They are arguing over nothing. It's just a storm in a teacup.	بزرگ کردن یک مسئله کوچک و بی‌اهمیت.	A storm in a teacup
I lost my job, but now I can travel. Every cloud has a silver lining.	در هر موقعیت بدی، یک جنبه مثبت هم وجود دارد.	Every cloud has a silver lining
He told a joke to break the ice at the party.	یخ مجلس را شکستن، شروع به صحبت کردن.	To break the ice
It's so quiet in the office right now, but it's the calm before the storm.	آرامش قبل از طوفان (یک دوره آرام قبل از یک اتفاق شلوغ).	The calm before the storm
I can't join you for dinner tonight, but can I take a rain check?	موکول کردن یک قرار یا پیشنهاد به زمانی دیگر.	To take a rain check
She was on cloud nine after she passed her exam.	بسیار خوشحال و سرمست بودن.	To be on cloud nine